

علمی که نظر به کیفیت عالم دارد با علمی که صرفاً جنبه‌ی کمی را می‌نگرند دارای دو رویکرد هستند با دو جایگاه متفاوت

شماره پرسش: ۷۵۶۸

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۰ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام علیکم . چند وقتی هست مطالب سایت علم دینی را دنبال میکنم و با توجه به صحبت های شما به این فکر افتاده ام که راهی نیست جز بازگشت به همان عهد قدسی خودمان . حال با این فرض استاد اگر بخواهیم علم دینی تولید کنیم ابتدا باید بین حوزه و دانشگاه یک آشتی جدی صورت بگیرد .

خواجه نصیرالدین طوسی - شیخ بهایی - علامه حسن زاده نمونه ی بارز آشتی بین حوزه و دانشگاه هستند و این بزرگان خود نماد دین و علم دینی هستند . البته این را هم گفته باشم بحث من بر سر علوم انسانی اسلامی نیست بلکه بر سر علوم مهندسی و ریاضیات و رشته های کاربردی مثل نجوم و پزشکی و ... است . حال مثلا اگر یک نفر پیدا شد که خواست دستگاه فکری علامه حسن زاده را در زمینه نجوم تبیین کند و یا دستگاه فکری شیخ الرئیس در خصوص طب و پزشکی و یا خواجه نصیر در شاخه ی ریاضیات و یا و یا خود دست به تولید علم دینی بزند . به نظر شما آیا میتوانیم در برابر غرب حرفی برای گفتن داشته باشیم . من از تمدن غرب بیزارم و آن را ظهور کامل ابلیس میدانم ولی استاد شما نگاه کنید . مثلا بعضی از شاگردان علامه حسن زاده درس نجوم دارند و کتاب شیخ بهایی را درس میدهند . به نظر شما با این پیشرفتی که غرب اکنون دارد و ما نباید لحظه ای از او کم بیاوریم تشریح الافلاک شیخ بهایی و فارسی هیئت قوشچی و اصول اقلیدس و چه کاربردی دارد ؟. استاد وقتی غرب دارد روی نظریات علمی کار میکند که من وقتی گاهی خلاصه ای از آنها را میخوانم مغز ام سوت میکشد . این علوم چه دردی را دوا میکند؟ . از طرف دیگر هم هرچه فکر میکنم که علوم غربی را بپذیریم یا خیر؟ میبینم با چیزهایی که از شرح نامه ۳۱ یاد گرفتم در تضاد است و تمدن غرب با این علوم خود مصرف گرائی و تجدد طلبی و دل بستن به دنیا را گوشزد میکند . حال چکار کنیم . از علوم خودمان که چیزی در نمی آید زیرا تا وقتی بخواهیم بر روی شیخ بهایی مباحث را متمرکز کنیم که کاملا در این جنگ نرم عقب افتاده ایم اگر بخواهیم علوم غربی را بپذیریم با فطرت امان مغایر نیست .

نمیدانم میشود راهنمایی کنید . در ضمن من شنیده بودم که آقای جوادی آملی علوم غربی را پذیرفته اند بطور کامل . این صحت دارد ؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ابتدا باید روشن شود علمی که نظر به کیفیت عالم دارد با علمی که صرفاً جنبه‌ی کمی را می‌نگرند دارای دو رویکرد هستند با دو جایگاه متفاوت. یک وقت شما آب را یک

واقعیتی می‌دانید با کیفیت ترکردن، و در بستر چنین نگاهی از آب استفاده می‌کنید. ولی یک وقت آب را H_2O می‌دانید و تازه از هیدروژن و اکسیژن هم نظرتان به مدارهای الکترون‌هایشان می‌افتد و این‌که چگونه این دو عنصر با هم ترکیب شده‌اند و به قول خودتان کله‌تان سوت می‌کشد. رویکرد علمی امثال خواجه نصیر و شیخ بهایی رویکردی است که در علم نجوم هم به کیفیت‌های عالم نظر داشتند و در آن راستا جلو می‌رفتند و بنای تصرف در طبیعت را نداشتند بلکه تسخیر طبیعت را داشتند زیرا بما فرموده اند «سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ» تا با تعامل با طبیعت از آن استفاده کنند. ما در هر حال بعد از مدتی با نور تمدن اسلامی کار امثال خواجه نصیر را ادامه می‌دهیم در حالی‌که در غرب این جهت‌گیری را عوض کردند و به جای آن‌که از استعداد‌های طبیعی به نفع بشر و برای آرامش او استفاده کنند، در طبیعت تصرف کردند و خواستند بر آن حکومت کنند. مثل آن جادوگری که غول را از شیشه در آورد و حالا خودش اسیر آن غول است. امروز بشر جدید اسیر تکنولوژی است چون به کیفیت‌های عالم نظر نکرد. به نظرم سخن ایت الله جوادی در اجمال است معلوم نیست چون به تفصیل در آید بتوان چنین نتیجه ای گرفت. موفق باشید